

روایات همه از مناقب حافظ احمد بن مردویه علیه الرحمه منقول است و بعضی از اینها در او منقطع
 طبرانی و صواعق محرقة نیز نظر در آمده و رسم در کتب مذکوره از این عکس منقول است که
 گفت نزلت فی علی ثلث مثلاً آیه یعنی نازل شده است در شان مرتضی علی سید
 آیه کریمه منقست قرآنی تعالی ایما و لیتکم الله و رسول و الذین امنوا
 و الذین یقومون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم و العون یعنی قس
 نیست در شما مگر خدا و رسول او و آن مؤمنان که اقامه صلوة میکنند و صدقه و زکوة میدهند
 در حال کوع جمهورستان متفق اند که آیه مسطوره در شان امیر المؤمنین کرم الله وجهه
 نازل شده و قصه چنان است که روزی سائلی در مسجد مشهور انزلی در صلی الله علیه و آله و سلم
 آمده است عظام خود و پیکر بوی چیزی نداد سائل بسوی آسمان برداشته گفت یا خدا یا کون
 باش که من در مسجد رسول تو سئوال کردم و اکنون محروم میروم در این جین امیر المؤمنین
 نزدیک خیر المرسلین در نماز بر کوع رسیده بود بسائل بانگشت خضر اشارت نموده سائل
 آمده انگشتری را از انگشت خضر امیر المؤمنین بیرون کرد در این اثنا آثار روحی بر بشرة پناه
 خیر البشر پدید آمد و جبرئیل علیه السلام آیه کریمه ایما و لیتکم الله را بر حضرت بتوجه پناه
 آورد و چنان بن ثابت انصاری که مداح رسول بود در این شعری گفت از اینک است
 این شعری فانت الذی اعطیت و کنت و العا فدایت نفس
 القوم باخیر و الی و در آملی شیخ شهید نور مرقد مسطور است که وزن حدیث انگشتری
 چهار مثقال و نیکیندیش که از یاقوت احمد بود پنج مثقال و قیمت آن خراج مملکت شام و
 خراج شام سیصد شتر بار نقره و چهار شتر بار طلا بود و آن انگشتری از طوق بن حزن

بود که امیرالمؤمنین اورا کشته انگشتری را بخدمت رسول آورد انسر و صلی الله علیه و آله
 با میر عطا فرمود چنانچه از قصه مسطوره چند کس از اکار سلف می دهد ناصر خسرو گوید بلیت
 آنچه علی داد در رکوع فزونت ز آنچه همه عمر داد حاتم طائی حکیم سنائی علیه الرحمته در قصه
 گوید سه در قیام و نمود نمود او کرد در رکوع و سجد او کرد موکوی رومی گوید پاک
 منزله از صفات همسوس کشته او بذلت داده زکوة اندر صلوة الله مولانا علی قدو
 شاه هاشم انوار گوید بلیت بزرگیکن تو آمد دو کیتی چو دادی بد روش انگشتر
 فردوسی گوید شما راست مسلم کرم که گاه رکوع کند برای حق انگشتری شمار انگشت مولانا
 جامی گوید در هشت بند خود که در منقبت امیر گفته که مغز گشت انفس سبجی اور کلام بقیه
 الصلوة آمد ترا اعزازا کر بونت مصطفی را در تدبر شب گشت منزل بهر اعزاز تو نقص
 آنها در بطاعت گفت عیسی با او صافی ترا در بقیه من الصلوة آمد ولایت از خدا مولانا
 قاسم کاسبی گوید با طالع خاتم در نماز آن معدن احسان دان پاکیزه اشس چون بودی
 از زرد زیور منقبت **قوله تعالی و من الثامن من بشری نفسا**
ابتغاء مرضات الله یعنی از مردمان کسی هست که بفروشد جان خود را در راه
 خدا تعالی برای طلب رضای او این اشیر در کتاب خلاق که جامع است میان کاشف
 و کشفی و تعلیقه در تفسیر خود بروایت عبداللہ ابن عباس رضی الله عنهما می آرند که این کلمه
 در شان امیرالمؤمنین نازل شد و سبب نزول آن بود که چون رسول صلی الله علیه و آله
 و سلم شب غار بکرم پروردگار بجهت نمود امیرالمؤمنین را قایم مقام خود ساخت تا قحطی
 که مردم را بر ذمه اش برود و نماید و در بعضیهای مردم رو فرماید بنا بر آن امیرالمؤمنین کرم

الله وجهه بر او شمس مبارک استید المرسلین تجزیه و مشرکان کرا در سرای همایون آمده
 قصد وی مینمودند خدای عزوجل وحی کرد بچیرئیل و میکائیل که من میان شما هر دو برادری دارم
 و زمان چنانست که عمر یکی از شما در از تر از عمر دیگری باشد پس کدامین از شما زنده کی برادر بر
 زنده گانی خود اختیار میکنید چیرئیل گفت بار خدا یا من زنده گانی خود اختیار میکنم میکائیل
 نیز چنین گفت خدای تعالی سرمودای چیرئیل و میکائیل شما هر دو را همچو علی ابن ابی طالب
 بناشاید که میان محمد و ادعقد مواخاه بسته ام و او بر فراش محمد خواب کرده نفس خود را
 خدای محمد کرده اند و شما هر دو بر زمین روید و علی را از مکاید دشمنان محفوظ دارید بفرموده
 قیام نموده بخیر جانب و میکائیل جانب پایتاده تمام شب محافظت نمودند و چیرئیل
 میبخت بشارت باد مر ترا ای امیر المؤمنین مثل تو کسیت که خدای تعالی تو بسیار میکند
 بر ملائکه آسمان و زمین **موقوف** گوید آری رسول صلی الله علیه و آله وسلم او را
 از میان اجباب خود گای خود اختیار کرد که شب غارش بستر داد و بروز غدیرش
 و بقتال کردش تیغ دو سر و پیشش دختر و با فرخش گوشه این نه مخفی است بلکه در پیش
 خدایان است از آفتاب اظهر جواهرش فی الله بود و زمان و او شریک و الله و جان داد
ابتغاء لرضا الله منقبت قوله تعالی الذین ینفقون اموالهم
 باللیل و النهار سراً و علانیه قل لهم عند ولا خوف علیهم
 و لا هم یحزنون یعنی انسانی که صدقه میدهند اموال خود را شب و روز پنهان و آشکار
 بین است ایشان را اجر از نزد پروردگار ایشان نیست خوف و غم ایشان را در تفسیر
 شعبی و اسباب نزول واحدی دکشاف محشری و مناقب ابن مردویه و کتاب پنج سخنند

احمد بن حنبل و صواعق محرقة از عبد الله بن عباس مرویست که آیه مسطوره در شان
 امیرالمؤمنین کرم الله وجهه نازل شده زیرا که امیر در ملک خود یک چهار درهم خیری
 دیگر نداشت یکدرهم از آن در شب صدقه داد و یکدرهم روز دیگر در هم در سیر دیگر
 مدخلی به بعد از آن آیه الذین ینفقون أموالهم نازل شده و صاحب تفسیر حسینی در
 روضه الشهداء می آرد که بعد از نزول آیه کریمه سید المرسلین از امیرالمؤمنین پرسید یا
 اخی ترا برین تصدق چه باعث شد گفت یا رسول الله طریق عطاء و صدقه را منحصر در این
 چهار وجه یافتیم بامتداد که وجهی از این وجوه مقبول در گاه رب العالمین افتد بنا برین اثر
 طرق اربعه نمود سید کانیات علیه افضل الصلوة و اکمل التیمات فرمود ای پوری طالب
 آنچه مقصود تو بود یافتی منقذت قوله تعالی یا ایها الذین امنوا اذا نزلنا
 حیثکم الرسول فقد موائین یدی نحوکم صدق تعالی آنکه ایمان بخدا و
 رسول آورده اید هر گاه مناجات بفرستید باید که در پیش راز و مناجات خود صدقه مقدم
 دارید ثعلبی و او احدی و غیر ایشان از علما تفسیر آورده اند که اغنیاء اکثر مناجات کردند چنانکه
 داخل صفو را مجال محال ماند و از کثرت دستتار جلوس ایشان اثر داشت و گریست
 در چنین مهین خیر المرسلین مبین و ظاهر است هر چه اهل عشرت و صفی بودند چه تصدق
 هیچ نداشتند و اغنیاء محبت و نیامی دون را بر مناجات ضرور ترجیح دادند بعد از چند روز
 این آیه نوح و تفریح ایشان آمد که و استغفتم ان فقد موائین یدی نحوکم
 صدق قات یعنی آبا شما تسبیحید از آنکه در پیش راز و مناجات بفرستید صدقه مقدم
 دارید ثعلبی از امیرالمؤمنین علی روایت کند که گفت چون آیه مناجات فرود آمد هر

رسالت صلی الله علیه و آله وسلم را خوانده گفت تری دنیا را یعنی چه اجتناب میکنی
 که یک دنیا زر صدقه دهند گفتم طاقت آن ندارند فرمود پس چند گفتم خبیه یا حوی السرو
 فرمود بسیار تغلیل کردی و نیز روایت کرده اند که امیر المؤمنین گفت بدرستی که کتاب
 خدای آیتی است که پیش از من هیچکس بدان آیت عمل نکرده بعد از من کسی بدان عمل نکند و
 آیه مناجاست زیرا که چون آب سرد و آید در بساط من یکدینار زر بود از ایدرهم چند فرو
 هرگاه قصد مناجات رسول کردم می از آن در ایدرهم تصدق نمود می چون اندر ایدرهم تمام شد حکم
 آیه مناجات منسوخ گشت بآیه **وَ اَشْفَقْتُمْ اَنْ تَقْتُلُوا الْجُوعَى** بشود و نیز فرمود و تغذیر ما
 مسطور است که بعد از نزول آیه مذکوره امیر المؤمنین از سید المرسلین و سئوال کرد از کجای
 یکی نیست که گفت یا رسول الله ما الحق انزل الله علیه و آله وسلم فرمود الحق انزل الله
حَقّاً اِذَا نَهَيْتَ اِلَيْكَ یعنی خلافت حق است هرگاه مفتی شود بنو منقبت
قَوْلَهُ تَعَالَى وَ تَعْيَهَا اُذُنٌ وَاَعْبَتَ یعنی در میاید و قسم میکند کلمه حق و تحقیق را
 کوشی که شنوایان فهم کنند باشد در صحیح ترمذی بر روایت امیر المؤمنین کرم الله وجهه و در
 مناقب ابن مردویه و تفسیر فعلی و واحدی بر روایت بریده سلمی مسطور است که رسول فرمود یا علی
 بدرستی که الله تعالی فرمود پس که ترا از نزدیک دارم و دور نگردانم و تعلیم و تغسیم تو کنم که تو
 فهم میکنی و در مییابی چون رسول با من فرمود آیه مذکوره نازل شد و از کجول مرویست که
 بعد از نزول آیه مسطوره السرو روی بسوی امیر کرده گفت بدرستی که در خواستم از حوی سبحان
 و تعالی که **اُذُنٌ وَاَعْبَتَ** را گوش تو گرداند امیر المؤمنین فرمود بعد از آن هر کلامی که شنیدم
 فهم کردم و یاد گرفتم **مَنْعَبَتٌ قَوْلَهُ تَعَالَى اَمِنْ كَانَ مَوْمِنًا كُنْ كَارِ قَابِ**

لا یستون یعنی حی سجانہ بر سبیل انکار میفرماید آیا انکس که مؤمن است بود همچون انکس است
 که فاسق بود پس ایشان برابر نخواهند بود و در کتاب و حساب نزول بقرآن قب مسطور
 که جمیع مفسرین متفق اند در این که سبب نزول آیه مذکورہ آن بود کہ ولید بن عقبہ بر او را در غمنا
 امین سخنان رضی اللہ عنہ با میر المؤمنین کرم اللہ وجہہ منارعت کرده گفت انکنت فانک
 حتی والله انا بسط منک لسانا واحدا مسنانا یعنی خواہموشن باش که تو گوید که
 دشمن بگدا که زبان دشمنان از تو فصیح تر و نیز ترم با وی گفت انکنت فانک فاسق یعنی
 خواہموشن باش که تو فاسقی پس حی سجانہ و تعالی از برای تصدیق کلام امیر المؤمنین آیه
 مسطورہ و سنما و ولید مذکور در فتح کہ موقوفہ از خوف و ہیبت شمشیر اسلام آورده بود چون غمنا
 رضی اللہ عنہ بر بر خرد افت نشست او را رالی کوفہ گردانید و او بجا دست تشریح شغال
 حتی بکویت دستت نماز فرض با دعا در چهار رکعت او انمود بعد از سلام روی مؤمنان کرد
 گفت اگر خواہید چند رکعت دیگر هم بفرمایم کہ توفیق رفیق من گشته و نوبت دیگر در عین است
 قی کرد و از بوی ولید خمر نسق ولید ظاہر کرد و ہمین علت از حکومت کوفہ معزول شدید و قی
 کہ جانب غربی واقع است مرد و حیشان بن ثابت انصاری مطابق حال شعری گفت شعر
 اتل الله الكتاب الغزير في علي وفي الوليد فرانا قتبوا الوليد من
 ذاك قسقا وعلى متبوا ايماننا ليس من كان مؤمنا عرف الله لمن
 كان فامسقا خوانا سوف يخزي الوليد خيرا و اعلى لا شك يخزي حينا
 فعلى يلقى لدى العرش عجزا و ولید يلقى هناك هو انما معنی بیت اول نزول
 کرد الله تعالی کتاب عزیز را در باب رضی علی و در باب ولید قرینه یعنی لایق آن معنی است

و دم پس مهتیا شد ولید از آن فسق را و مهتیا شد امیر المؤمنین ایمازا معنی بیت سوم
 نیست انکس که نمون باشد خدایرا مثل کسی که فاسق باشد و خیانت کنندده معنی بیت
 چهارم زود باشد که خردا دده شود ولید را غم و آتش زود ^{خشم} آید و آید شود و رقصی علی کرم الله وجهه
 بهشت معنی بیت ششم پس رقصی علی ملائی کرده شود ^{و در این خوارگی را طرف کوبه قصه}
 خمر ولید که در سندی ظاهر شد و اگر تو اربع بمثل اعظم کوفی ^{در رخصه الاحساب بسبیل}
 نیز مسطر است **مَنْ قَبِلَتْ** قوله تعالی **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ لَيْكَ**
مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ وَ سَأَلْتَهُ اللَّهُ يَعْصُكَ مِنَ الْبَشَرِ
 یعنی ای انکه قبایسلی برسان آنچه بسوی تو از پروردگار تو فرود آمده و اگر این کار نکنی همانا
 که رسالت و پیغامهای که در کار خود رسانیده باشی فرمان بجای آر که حتی کسی نه ترا از کند و به
 اندیشی مردم مصون و محفوظ نگاه میدارد و در حلیه الاولیاء تفسیر غیبی از بر این غایب است
 که چون نازل شد آیه مسطوره در موضع غدیر خم که ما بین که و مدینه است رسول صلی الله
 علیه و آله دستم بر بنبر آمده فرمود **مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاَهُ** یعنی
 که را من مولی و خداوند باشم پس این علی مولاد خداوند او باشد انگاه عمر بن الخطاب گفت
سَخَّرَ نَجْجَ يَا عَلِيٍّ اصْحَابَتِ مَوْلَانِي وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ عِيسَى شَرِيه
 یا در ای علی که خداوند من و جمیع مؤمن و مؤمنه شدی و حافظ مردوی در مناقب از عهد الله
 بن مسعود رضی الله عنه می آرد که گفت ما میخواندیم این آیه را در عهد رسول بدینطور که **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ**
بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ عَلِيًّا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ یعنی ای رسول
 برسان آنچه منزل شده بسوی تو از پروردگار تو که تحقیق علی خداوند مؤمنان است و نیز این

ادب

مردودیه ابن عباس در بدین علی و ایت میکند که چون الله تعالی رسول خود را امر کرد که با طهارت غسل و
 کمال امیر مومنان قیام نماید و در باره وی گوید آنچه حق تعالی فرموده انسر و صحتی
 علیه و آله وسلم گفت یارب یسئلی که قوم با مورجا طاعت زین و حدیث العمدانند این
 فوما را برتما بند بده از آن منزل فیوض نازل گشته بطرف مکه رفت و بعد فراغ حج جمعیت
 نموده در منزل غدیر خم نزول فرمود حق سبحانه و تعالی آیه مذکوره فرستاد پس نازوی
 مبارک امیر المؤمنین بدست حق پرست گرفته بردن آمد و بنهر صعود نموده بعد از آن
 در حین باری تعالی رو سوی اصحاب خطاب کرد گفت اَللّٰهُمَّ اَوْلٰی بِالْمُؤْمِنِیْنَ
 اَنْفُسِكُمْ عِیْنِیْ اَبَانِسْتُمْ مِنْ بَهْتَرٰی مُمْنِیْنَ اِنْفُسِهَیْ شَهَادَتُکُمْ بِاَنَّ رَسُوْلًا لَمْ یَنْبَغِ
 تَوْجِیْحُ وِجْهِهِ اِلَّا بِاِیْمَنِیْ اِنْكَاهُ زَبَانَ مَعْجِزِیْنَ فَمُرُوْا مِنْ کُنْتُمْ مَوْلَاۤهُ فَعَسَا
 مَوْلَاۤهُ اَللّٰهُمَّ وَاَلِ مَنْ وَاَلَاۤهُ وَاَعَادَ مِنْ عَادَاۤهُ وَاَعَنْ مِنْ اَعَانُوْا وَاَخَذَ
 مِنْ خَدَلُوْا وَاَنْصَرُ مِنْ نَصَرُوْا عِیْنِیْ بِرَکْرِ اَمِنْ مَوْلٰی بِاَشْمِیْسِ عَلٰی مَوْلٰی وَاخَذَ
 اِدْوَسَتْ بَارْفَهَ اِیَادِیْ وَاَدَسَتْ وَاَرَسَتْ اَرَسَتْ اَرَسَتْ اَرَسَتْ اَرَسَتْ اَرَسَتْ اَرَسَتْ اَرَسَتْ اَرَسَتْ
 عَلٰی رَاۤیَ بَارِیْ دَهْ اِنَّا کَیْ بَارِیْ وَاَهْ عَلٰی رَاۤیَ فِیْ رَاۤیَ کَیْ اَرَسَتْ اَرَسَتْ اَرَسَتْ اَرَسَتْ اَرَسَتْ اَرَسَتْ اَرَسَتْ
 وَاَللهُ جَکْرَمِ اَیْهَ کَرِیْمِهْ وَاَللهُ جَکْرَمِ اَیْهَ کَرِیْمِهْ وَاَللهُ جَکْرَمِ اَیْهَ کَرِیْمِهْ
 اَسْلَمَ وَاَجِبْ وَاَفْرَضْ شَدَّ نَظْمُ رُوَاۤیَ بَارِیْ سَرْدِیْنِ خَیْشِ تَاۤجِیْ سَاۤیَ زَکَاۤتِ
 پایی جو انمرد و آل من و آلاه زول عداوت او و در دار تا نخوری زنیغ لفظ نبی زخم عا
 من عا واه و نیز در مناقب ابن مردودیه از ابن ماردن عبیدی منقول است که گفت
 برای وجهت او من مایل برای خوارج بود تا هسنگامی که از ابوسعید خدری شنیدم که میگفت

همیشه مردم آن مامور شدند پیشش فرض و بیخ عمل نمودند و ترک یکی از جهالت کرده
 براه ضلالت افتادند مردی پرسید آن بیخ فرض کدام است گفت کلمه طیبه و صلوة و زکوة
 و حج و صوم شهر رمضان گفت که است آن یکی که ترک کرده اند گفت ولایت علی بن
 ابی طالب انزد گفت دوستی امیر ماین بیخ مفروض است گفت بلی گفت بدستی که نه
 کافر شده باشند که حق ولایت مرتضی علی بجا نیارود و اند ابو سعید رضی الله عنه گفت
 مرا چه کنایه باشد لمؤلفه سرمایه زندگانیم حب علی است پرایه شادمانیم حب علی است
 حاجی سوی کعبه رفت و من سوی نجف چون کعبه جاودانیم حب علی است و له بروانه از
 جهالت غلبیم و روانه اسرار کمال غلبیم از جمله جهانیان بریده گشتی و الله که طالب وصال غلبیم
 قوله تعالی الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ
 الْاِسْلَامَ دینا عینی امروز تمام گردانیدم و دین شما برای شما و تمام کردم بر شما نعمت خود را
 و راضی شدم مر شما را بدین اسلام هم در مناقب این مرد و بیه از ابو سعید خدری مرویست که
 فرود آمد این آیه کریمه در غدیر ختم در زمانی که سید المرسلین دست امیر المؤمنین گرفته
 بروشت پس در جین نزل آیه کریمه گفت الله اکبر بالکمال دین و اتمام نعمت و رضای مردم
 بسالت من و ولایت علی لمؤلفه انکس که مصطفی نخستین یار است انکس که
 دیش خزینه همراه است انکس که بجمع مؤمنان سردار است سلطان دو کون حیدر کرار است
 کیستانی و پاکی بخدا میزید سلطانی عالم بقامی زبید شاهی جهان بر رضی می زبید مجربلی
 او مصطفی می زبید منقبت قوله تعالی اجعلتم سقایة الحاج و عمارة
 المسجد الحرام کن امین بالله و الیوم الاخر وجاهد فی سبیل الله

لَا يَسْتَوْنَ عِنْدَ اللَّهِ وَاحِدٌ فِي سَبَابِ تَزْوِيلِ آيَاتِهِ كَمَا يَرَى الْمُؤْمِنِينَ عَلَى عَمَلِهِمْ
 طوبى لمن شربه افتخار کردند عباس گفت من صاحب سقایه ام یعنی آب دادن بجایان ^{تعلق}
 من دارد طوبی گفت من مجاور خانه کعبه ام و محتاج او بدست منت امیر المؤمنین گفت
 نمیدانم چه بگویند بدستی که من پیش از همه بار رسول صلی الله و آله وسلم نماز گذارده ام و
 صاحب جهاد انگاه حق سبحانه و تعالی آیه مسطوره و شستاد و تفسیر آیه کریمه چنین است که آیا
 گردانیده بد آب دادن بجایان و عمارت کردن مسجد حرام را همچو کسی که ایمان آورده
 خدا و روز آخرت و در راه خدا کرده این صفات نزد خدای تعالی برابر نمی شوند ^{بهر وجه}
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ أَوْلَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ
 بیشتر هم دین بر حمت من و در ضوان و جنات لهم فيها نعیم مقیم خان
 الدین فيها ابتداء ان الله عنده اجر عظیم یعنی آنکه ایمان آورده اند و جهاد
 و جهاد کرده اند در راه خدای عز و جل بآلها و نفسهای خود رفته ایشان عظیم تر است از
 دیگران نزد رحمن و ایشانند فایز در ستکار کرده و بشارت میدهد پروردگار ایشان بر حق
 از خود بر ضوان خوشنودی و جنات و الذاتی که ایشان را در اینجا مقیم است و حال آنکه
 در آن جنات همیشه باشند بدستی که نزد الله تعالی مزد بزرگ حاصل است و احدی بعد
 از میان ابراه آیات مذکوره گفت الله سبحانه و تعالی علی را در دعوی خود صادق کرد
 کسی او بانمان و عها جوت کواهی داد و مراد از ترکیه نمود و بستود و مترش رفیع و بلند کردند
 سبب آنچه در شان او فرود آورد و رتبه اش بجائی رسانید که بعد از نبی غیر او هیچکس بان
 مرتبه **منقبت** قوله تعالی اِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالِ قَوْمِ

ذریقی قال لا ینال عهدی الظالمین یعنی رب الفرة با بر اسم خطاب میکند
 در سبیل اصطفاء امتحان میفرمایند بدستی که من را امام امام و سابق خلافت کردانندم
 بر اسم علیه السلام از حضرت چون مسالت نمود که ذریه فرزندان مرا هم چنین کروان
 حق تعالی فرمود عهد و پیمان من که امامت و خلافت است نرسد بان فرزندان تو که
 بت پست باشند حمیدی از عبد اللہ بن سعید رضی اللہ عنہما روایت کند که استبداد رسدین در آن
 نزد دل این آیه فرمود که دعوت و مسالت بر اسم که جبهه ذریه کرده غمتی شده با ما می رسیده
 که هرگز پیش هیچ بت و پشت سجده نیارود و بنا بر این حق سبحانه و تعالی مرا پیغمبر بر سر
 و علی را وصی من منقبت **قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و**
کونوا مع الصادقین یعنی آنانکه ایمان آورده اید در راه فدای تعالی بر نیز کار کنید
 و همراه رهت کوبان باشید این مردودیه و خطبای خوارزم در مناقب خود برده
 این عباس رضی اللہ عنهما می آرند که گفت کونوا مع علی و اصحاب عیسی باشید با ابرو و صحابه
 او حکم حدیث نبوی کنایت از صادقین امیر المؤمنین و اصحاب عالی جناب اویند
لموقف سر حلقه اولیا علی ولی است شامشه صفیا علی ولی است محبوب و محبت
 عین ذات احمد و اللہ که بی ریا علی ولی است **منقبت** **قوله تعالی انما اتت**
منذ و لیکل قوم هاد یعنی ای محمد تو جز بهم کشنده نیستی و هر هر قومی را مادی در راه
 نمائی هست حدیث حبلی در سند و مشهوریه در فردوس الاخبار و این مردودیه در مناقب خود
 از ابن عباس رضی اللہ عنهما روایت میکنند که روایت حبلی است که چون آیه مذکور را نال
 شد انشود حسنی اللہ علیه و آله وسلم دست بر سینه خود نهاد و فرمود من از من و سیم و سینه

منم و بدست خود بوی دوشس مرتضی علی اشاره کرده گفت تویی یا علی یا دی در منهای
 خلق و بعد از من بسبب تو خلق راه یابنده در دایت فرودس الا خبر منیت که چون آید بگو
 نازل شد رسول فرمود منم منذر و علی است ماوی بواسطه تو امی علی هدایت یابنده اهل بیت
 نیز بواسطه غیر تو در روایت این مرد دیده منیت که الشهد و صلی الله علیه و آله است که ایستاد
 آفت منذر خواند و بدست خود ایما بسینه خود کرد و لکل قوم ما و خواند و اشارت
 به میر کرد گفت راه یافتگان بعد از من بسبب تو راه یابنده لمنو لطف اگر تمام جهان
 بدست منیت غمی که دوستی زده صدق با خدا دارم اگر چه سوی بوی عاصی کنی
 کارم ولی جو غم که شفیع چو مصطفی دارم مرا بخضر بکن منیت حاجتی کشفی کرده نما
 بره حق چو مرتضی دارم **منقبت** قوله تعالی و انی لغفار ذلین قَاب و
امین و عمل صالحا ثم اهتدی در صواعق محرقة از امام صادق رضوان
 الله علیه و ثابت شببانی مرویت که مراد از **ثم اهتدی** پیروی اهل بیت است و
 در سند محمد بن حسنعلی کتاب شفا و دسترا کتایق و هدایت السعداء از امیر المؤمنین
 مرویت که گفت بدستی که الشهد و گرفت دست احتین را و فرمود من اجتنی هدیت
 و ایاهما و امهتا کان معنی در حقی **یوم القیمه** یعنی کسی که دست مراد این
 و پدر و مادر اینهارا باشد با من در درجه من بروز قیمت و بعضی بگویند که مراد از **کان**
 معنی فی و حقی معیت قرب و شهود است و بعضی معیت مکان و منزل با قرب شهود
 گفته اند **لکم من اجبت قوما فقومینهم منقبت** قوله تعالی ایما یؤید
لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا هم در صواعق محرقة

می آرد که جمود مغزین برین اند که آیه مسطوره در شان مرتضی علی و سیدة النساء حسنین نازل
 شده و از آن مسلمه رضی الله عنهما مرویست که بعد از نزول آیه مذکوره ان سرور صلی الله علیه و آله وسلم
 چادر خود بر ایشان کشید و گفت **اللَّهُمَّ هَسُوْا اَهْلَ بَيْتِي وَخَاصَّةِي اَنْتَ اَهْبِ**
الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً یعنی بار خدا یا اینها اسل بیت و خاصه من اند و دور گردان
 رجس را و پاک گردان ایشان را پاک گردانی در روایتی سر مورد الا من اذی قرابتی فقد
 اذانی و من اذانی فقد اذی الله یعنی و اما و آگاه باشید هر که اید کند این بیت
 را پس تحقیق اید کرده باشد و او هر که اید کند ما پس تحقیق اید کرده است خدای را و بروایتی
 دیگر سر مورد الذی نفسی پیدا لا یؤمن بعدی حتی یحیی و لا یحیی حتی یحیی
 یعنی قسم با آنکه جان من بید قدرت اوست که ایمان بنماورد بنده من تا دوست ما نباشد
 و دوست ندارد و اسل بیت مراد صحیح مسلم و مصابیح مشکوة از ام المؤمنین غایبه رضی الله
 عنها و در تفسیر شعبی و فصل الخطاب از ابی سعید و مقاتل مرویست که بعد از نزول آیه کریمه **اِنَّمَا**
یُرِیدُ اللهُ السُّرُورَ جَارِی اِزْمَی سِیَاهُ نُوْرٍ و روایت که امیر المؤمنین علی و فاطمه هر دو
 آمدند ایشان را در زیر آن چادر کشیده آیه مذکور قرأت نمود **مَنْ قَبِلَ** **قَوْلَ تَعَالَى**
فَمَنْ حَاجَّكَ فِیْهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَقَالُوا اِنْدَعُ اَنْفَا
وَابْنَا فِکُمْ وَاِنَّا وَاِنْسَانًا وَاِنْفُسَانَا وَاِنْفُسَانَا وَاِنْفُسَانَا **ثُمَّ نَقْتَهْلُ فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللهِ**
عَلَى الْكَافِرِیْنَ و صحیح مسلم و مصابیح مشکوة از سعد و قاصه مرویست که گفت چون آیه
 مسطوره نازل شد سید انبیاء و مرتضی علی و فاطمه و حسنین را طلبیده گفت **هَسُوْا اَهْلَ**
بَيْتِي و در مصوات حق محو و کشف ز محشری مسطوره است که نیست دلیل قوی تر ازین بر فضیلت آن

از ایشان

و مراد از آل عبا مرتضی علی و فاطمه و حسنین اند زیرا که رسول بعد از نزول آیه هنگام مبارزه در
 یک پهلوی امام حسن و چپ پهلوی دیگر امام حسین و پیش رو مرتضی علی و پس پشت فاطمه را چاک
 داد پس دانسته شد که حق سبحانه و تعالی مرتضی علی را افضل مغمب و اولاد و ذریه او را با بنی امیه آن
 حضرت صلی الله علیه و آله و سلم یاد فرمود **منقبت** قوله تعالى **ان الله وملائكته**
يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا
 بدین معنی که الله تعالی و ملائکه صلوة میخوانند بر نبی ای انکساینگه ایمان آورده اید صلوة
 و سلام فرستید بر نبی مسم در صواعق محرقه از کعب مرویت که بعد از نزول آیه مذکوره صحیح
 گفتند یا رسول الله تعالی کن با چگونه سلام و صلوة فرستیم روز فرمود بگوید اللهم
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و روایت حا که آنکه پس بداند از رسول چگونه صلوة فرستیم
 بر تو و آل بیت تو فرمود بگوید اللهم **صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** راوی گوید بنابر روایت
 صحابه و جواب رسول موجب نص قطعی دلیل ظاهر است بر این که امر بصلوة بر این بیت
 و بقیه آل مراد است منقول است که یکی از صحابه و علی آن فرمود گفت الشری فرمود من غارق
 بینی و بین الی بعلی فلیس من امتی **منقبت** قوله تعالى **سَلَامٌ عَلَى**
آلِ يَاسِينَ هم در صواعق مطوره است که به تحقیق نقل کرده اند جماعه مفسران از این
 عبارت که مراد از آیه مذکوره سلام بر آل محمد است و بعضی بر این اند که مراد الباقین است
 که الباقین نیز آمده چنانچه می کال و می کائیل آن قول واضح است **منقبت** قوله
تعالى وَمَا كَانَ اللهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ یعنی مکرده است الله تعالی عذاب
 بر این جماعت که تو در آنها باشی مسم در صواعق می آرد که مراد از آنست **فِيهِمْ** این بیت اند

و اهل بیت آنانند مرا پس زمین را چنانکه انسر و فرمود الخومر امان اهل السما
 و اهل بیته امان لا امتی عیسی انکنا اهل سما بوجود نجوم قایم اند همچنان اهل زمین
 بوجود اهل بیت من قایم اند یعنی قایم بودن دنیا بوجود اهل بیت علیهم السلام
 و آیه منقبت قول تعالی و لیسوف یعطیک ربک فسخی یعنی
 حق سبحانه و تعالی بحیب خود وعده احسان میکند و میفرماید که عطا خواهد کرد هر آینه تو را
 آنچه پروردگار تو انقدر که رضی شوی هم در صواعق مسطور است که قوطبی از این عیب
 روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله وسلم گفت وعده کرده است بمن پروردگار
 من اینکه هر کس اقرار کند توحید خدای عز و جل نبوت من و ولایت علی و فاطمه و حسن
 حسین که ایشان اهل بیت من اند هر آینه او را عذاب کرده نشود در روز قیامت
 منقبت قول تعالی ان الذین امنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم
 الولوجین و ذرا یعنی بدستی نمانند ایمان آورند و عمل صالح کردند مزد باشد که حضرت
 رحمن خلق کند برای ایشان محبتی در مناقب خطیب از این عباس رضی الله عنهما است
 که این آیه کریمه در شان امیر المؤمنین نازل شده که رب العالمین برای او در دوسای
 بنان محبت و مودت آفریده و این مردویه در مناقب خود از این غایب آورده که رسول
 صلی الله علیه و آله وسلم بامیر گفت یا علی قل اللهم اجعل عندک عهدا و اجعل
 عندک و ذرا و اجعل فی صدق و المؤمنین مودة فتزلت هذه الایة
 عیسی ای علی بگو با خدا یا بگردان برای من عهد و محبت تزه خود و بیافین برای من
 در سینه های مؤمنان مودتی بس نازل شد این آیه منقبت قول تعالی و قفونم

انتم مسئولون یعنی در قیامت فرمان آید که خلائق را استاده کنید بدستی که پرسیده
 خواهد شد در مناقب ابن مردویه از ابن عباس و در سند احمد بن حنبل از ابو سعید خدری منقول است
 که از خلافتی پرسیده خواهد شد دوستی علی بن ابی طالب کرم الله وجهه و در فردوس الاخبار
 ابن عباس و ابو سعید خدری مرویست که رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود معنی قول
 حق تعالی یسئلون عن الاقرار بولایت علی بن ابی طالب کرم الله وجهه یعنی سئوال
 کرده شوند از اقرار کردن بولایت علی بن ابی طالب مؤلف گوید در بعضی کتب
 احادیث بنظر در آمده که جمیع اشیاء و ریله المرعاج بصاحب قاب قوسین و ستید الثقلین
 گفتند ما همه مسح شده ایم بر شهادت لا اله الا الله و اقرار کردن بولایت
 علی بن ابی طالب منقبت قوله تعالی ان الذین امنوا و عملوا الصالحات
 اولئک هم خیر البریة در مناقب ابن مردویه و خطیب خوارزم از زید بن اشتر حاکم
 که کاتب امیر المؤمنین بود مرویست که شنیدم از مرتضی علی کرم الله وجهه که میگفت رسول
 با من سرمود در حالتی که او را تکیه داده بودم بر سینه خود آیا شنیده یا اخی قول خدای تعالی را
 نموده بدستی که آنرا که ایمان آورند و عمل صالح کردند آن گروه بهترین مخلوقاتند آن
 تویی و چنان تو در عهد و گاه من و شما حوض کوثر هست و هنگامی که اسم برای محاسبه برانوار
 دهد آید خوانده میشود و حال آنکه پشانی دست و پای شما نورانی باشد و خطیب خوارزم
 روایت دیگر از جابر بن عباس انصاری رضی الله عنه آورده که گفت نزد یک مغسب صلی الله
 علیه و آله وسلم جمعی از صحابه کبار بودند که مرتضی علی آمد سرمود بدستی که برادر من بسوی
 شما آمد بعد از آن دست بر کعبه زده گفت بچ آنکه جانم سپه قدرت او است که این در میان

میان من و شما و انکس که نزد او است علم کتاب محدث حسبلی از محمد حنیفه رضی اللہ عنہ روایت کند که
 گفت نزد کسی که علم کتاب است انکس بحکم انا مدینة العلم و علی بابها علی ابن
 ابی طالب است و تفسیر خود از عبد اللہ سلام که دانشمند قوم یهود بود و در سرف
 اسلام مشرف شد روایت کند که گفت من از رسول پرسیدم کیست انکس که نزد او است
 علم کتاب بگردد فرمود که انکس نیست بجز علی ترجمه منظومه از پیر سوال کرد یکی که بگردد
 کیست علم کتاب در جواب از ره صوابش گفت نیست آن بجز علی نکو و ریاض منقلب
 قوله تعالی و النجم اذا هوى ما ضل صاحبکم و ما اعوى و ما یطق علیہ
 ان هو الا وحی یوحی یعنی سخن جانه سو کند یا میکند ستاره زهره و غیره باین ستاره
 که فرود افتاد که صاحب شما گمراه نشده و از هوا و هوس نطق نمیکند و نیست نطق او بجز وحی این
 معادلی مالکی روایت کند از ابن عباس که گفت ما که طایفه از جوانان ویش مدینه معظمه نشست
 بودیم رسول صلی اللہ و آلہ وسلم میان ما بود که ستاره فرود افتاد و انسر و صلی اللہ علیه و آله
 سلم فرمود این ستاره در منزل هر کس افتاد و وحی من است انجمه بر خود استند دیدند که در منزل
 فیوض نازل امیر المؤمنین افتاده پس از فرط جهالت با نسر و گفتند تو بسبب محبت علی گمراه شده
 از آنچه آیه کریمه و النجم نازل شد و در مناقب ابن مرویه از ناحیه عرفی مرویست که گفت چون
 رسول اللہ صلی اللہ علیه و آله وسلم بتد ابوابی که در مسجد بود امر کرد انمعی بر صحابه شاق نمود
 یکی گفت عباس و ابوبکر و عمر و عثمان و غیره را پرودن کرد و بجای خود ابن عثم خود را آرام داد
 دیگری گفت در تعظیم و رفع منزلت او تقصیر نمیکند چون انسر و دانست که انمعی بر صحابه دشوار است
 صلوة جامع خواند چون صحابه جمع شدند بر زبر غیر بر آمد بعد از فراغ خطبه بر زبان مجربیان فرمود

ای مردمان زمین در رابطه شمارا پروردگار کرده اند و نه علی را در جای خود ایام داده ام انگاه آیه
و النجم از بهیروی خوانند یعنی هر چه نطق میکنند آن همه از بسبیل وحی است نه از هوا و هوا **منقبت**
قوله تعالى فان الله هو وليد و جبرئیل و صالح المؤمنین یعنی بدستیک خدا
تعالی ناصر پیغمبر است و جبرئیل و صالح همان هم در سند احمد بن حنبل از مجاهد و در تخریج و
مشارف از عمر و عاص و در مناقب ابن مردویه از ابن عباس و اسما بنت عمیس و است که شنیده
از محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم که میفرمود و صالح المؤمنین مرضی علی است **منقبت**
قوله تعالى يوم لا يخزي الله النبي و الذين امنوا معه فوهم يستعجبون انما
قوله بایمانیم یعنی دریکه خوارکنند حق تعالی رسول خود را و آنانکه ایمان آورده اند با او
ایشان روانه میشود در پیش ایشان دست راست ایشان محدث حنبلی آورده که نازل
شده این آیه کریمه در شان امیر و مجتهدان او و ابن مردویه از ابن عباس روایت کند که گفت اول
کسی که خلل و جاههای جنت کسوة باید ابراهیم خلیل السلام بود از جهت دوستی او با خدای عزوجل
انگاه محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم جهت آنکه بر کزیده خدمت بعد از ان علی در آورده شود
بیان ایشان اسیری جنت پس گفت مراد از و الذين آمنوا معه نورس یعنی بنی ایدیم علی است
و اصحاب اوفی الله عنهم **منقبت** قوله تعالى و الذين جاؤا بالصدق و
صدق بیرون مردویه از مجاهد و محدث حنبلی از امام محمد باقر آورده که و الذين جاؤا
بالصدق محمد است و صدق بدان علی **منقبت** قوله تعالى يوم تشقوا السموات
بالغما و تنزل الملائكة تنزیلاً یعنی یادکن روزی را که در آن روز شکاف آسمان بسبب
برسغید که بالای مفرطه طبقه است و غلظ او برابر همه سموات و او کران تر است از همه آسمانها

و قادر مختار امر و بقدرت کامل خود نگاه میدارد و روز قیامت او را بر آسمانها افکند و بر آسمانها
 که رسان آن آسمان را بشکافد و تفسیر و تفسیر فاطمی و تفسیر علی ابن ابی طالب از ابی عبد الله مرویست
 که گفت آن غمامی که آسمانها را بشکافد امیر المؤمنین علی است زیرا که مظهر العجايب و مظهر النور
 چنانچه در دنیا امور عجيبه و غریبه بظهور رسانید و آخرت نیز رسانید مقتضای قوله تعالى **مَنْ خَلَقْنَا**
يَهْدِيهِمْ وَنُورٌ بِالْحَقِّ وَبِذِيْعَدْلٍ لَوْنٌ یعنی از جمله کسانی که آفریدیم امتی و جماعتی هستند که خاتم
 بحق راه راست بینمایند و هدایت میکنند بتوفیق خدا از راه باطل عدول میجویند و بسم باری
 حق طریق عدل میورزند و بر بحر المناقب و مناقب این مردودیه مسطور است که از اوان رضی الله
 عنه روایت میکند از مرضی علی کرم الله وجهه که گفت **فَفَرَّقَ هَذَا الْأُمَّةَ عَلَى ثَلَاثٍ**
وَسَبْعِينَ فِرْقَةً أثنان و سَبْعُونَ فِي النَّارِ و وَاحِدَةً فِي الْجَنَّةِ وَ هُمْ
الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ مِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدِيهِمْ بِالْحَقِّ وَ بِيَعْدِلُونَ
 و هم انا و شیعیتی این امت هفتاد و هفت گروه میشوند هفتاد و دو روز و درخ میروند و یکی در جنت
 و این گروه که حق تعالی در شان ایشان آیه مسطوره و ستوده آن فرقه منم و محبتان من
 المولفه ای که از دل طالب خوششده آفتاب اوج مطلق گشته دوستی مرضی را پسر ساز
 نفس دون را پای در زنجیر ساز مهر جید چشم دل بینا کند مهر جید قطره را دریا کند مهر خید
 اگر نباشد را مهر میرو و چاره راه رود سقر مهر جید مایه ایمان من مهر جید زنده کی جان
 من گشت از مهر علی روشن دلم بهت مهرش منور محفلم کوه من آمد از بحر علی دارم مهر
 ولایت زان ولی بنده جید ز جان و دل شدم زان بنور ذات حق و اصل شدم دست
 من دامن جید روز حشر نام پاکش بر زبانم روز شتر منقبت **قوله تعالى وَ جَنَّا**

یوم اعذاب و ذویج و فحیل صنوان یعنی صنوان دوشه درخت خرمار گویند که از یک
 نخ و بن باشند در بحر منقلب از جابر بن عبد الله انصاری مرسل است که از رسول صلی
 علیه و آله شنیدیم که بعضی بن ابی طالب میفرمود الناس من اشجار شتی و انا منت
 من شجرة واحدة قسراء الایه یعنی مردمان در جهان کونا کونند از درختها و در
 آن یک درختیم بعد از آن آیه مسطوره خوانده میگفت **قوله تعالى ان الله يدخل الذر
 اتسوا و عملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الانهار** یعنی بدستی که
 الله تعالی داخل میکند آن کسان را که ایمان آورند و عمل نیک کردند بچشمائی که روانه میشود و شیب
 آن جویمانی این مردویه از جماد رضی الله عنه روایت کند که گفت آیه مسطوره در شان ^{نصی علی}
 بو حمره و عسیده نازل شد در زمانی که با عتبه و شیبه مبارزت کردند و در شان کفار خواران
 نازل شد **قوله تعالى فالذین كفروا قطعت لهم ثياب من نار و صب من فوق
 تا عذاب الحریق** یعنی آنکه کافر شدند برای ایشان جامه از آتش بریده شد تا عذاب
 ایشان در آتش صعب باشد **منقبت** **قوله تعالى فاما تذهبن باک فانا صانتم**
مذقمون یعنی نوبی سجانه و تعالی میفرماید **استید ایها جمعی الله علیه و آله وسلم** اگر چه تو را بعام
 بقا خود نسیم بر ولیکن از ایشان یعنی از منافقان **تقام می** ستانیم و در دو کس الاحبار از جابر
 عبد الله انصاری و در مناقب این مردویه از ابن عباس مرویست که این آیه در شان امیر المؤمنین
 نازل شد و زیرا که رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود او بعد من از بیعت شکنان و ظالمین
 و او **استناد منقبت** **قوله تعالى وادعوا مع الولاکین** یعنی نماز گذارید و کوع
 کنید با نماز گذاران و رکوع کنندگان محدث حسینی و ابن مردویه از ابن عباس رضی الله

عنهما روایت کنند که گفت این آیه کریمه فاصحه در شان محمد مصطفی و علی مرتضی نازل شده
 زیرا که ایشان اول بسم نماز و رکوع کردند **منقبت** قوا انعمالی فالیوم الکنز
 امتوا میر الکفار و یضاکون علی الارکک یبظرون یعنی در روز قیامت آنانکه
 ایمان آورده اند مشاهده حال کافران بچند در سرهای آسمان نشسته نظر میکنند خطیب خوارزم
 در مناقب آورده که امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه با لغزی چند از اصحاب عالی جناب خود
 بسوی رسول می آمد پس ابو جبل و ولید بن مغیره و خاص این دلیل چندی دیگر از مشرکان بر ایشان فرستادند
 بنا بر این حق سبحانه و تعالی آیه مسطوره فرستاد **لمنوفت** ای ساقی تشنگان اسرار وی مبد
 و طحا بسد اصل هر کس که بسینه کینهات و شت با بعضی ترا بخاطر اول یا حربه زده ببنده گان
 و ذیخ بوش مقام و منزل و انکس که محبت تو بجانش لطف تو همیشه با و شامل **منقبت**
 قوله تعالی لقد رضى الله عن المؤمنين اذ يبايعونك تحت الشجرة الى اخره
 یعنی بختی ناضی شد الله تعالی از مؤمنان و آن حین که بیعت میکردند با تو ای محمد در زیر درخت خطیب
 خوارزم از جابر بن عبد الله انصاری روایت کند که این آیه کریمه در شان اهل بیت نازل شده
 و در روز چهارم چهار صد نفر بودیم السرد صلی الله علیه و آله وسلم با فرمود امروز شما بند بندگان
 اهل زمین و ما بیهیبت کردیم زیر شجره بر مرکب یعنی کشته شویم و از دشمنان رد کردیم اما والله که الحق
 و اولی در این مردمان باین آیه امیر المؤمنین علی است زیرا که حق سبحانه فرمود **انا بهم فخرنا**
قویا یعنی مشرک و او با ایشان از فتح نزدیک که فتح خیبر است و آن بر دست امیر المؤمنین بود
منقبت قوله تعالی یا ایها النبی حسبک الله و من ابتغى من المؤمنین
 یعنی ای محمد سر است ترا الله تعالی و آنانکه اتباع تو کردند از مؤمنان در مظاهرة و بار می گردن

حدیث حبلی گوید جمیع مفسران متفق اند بر این که مراد از من ابتغک علی بن ابی طالب است
 منقبت قوله تعالی وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ
 وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَكُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ بَعْنَى انكسار که ایمان بخدا و پیغمبر آن آورده
 ایشانند صدیقان و شهدای ایشان رو که مزد نور حاصل است حدیث حبلی گوید مظهر
 در شان مرتضی علی نازل شده زیرا که اول کسی که تصدیق رسالت پیغمبر نمود او بود و تمام عمر
 در سبیل الله در جهاد گذرانید و آخر بد رحمت شهادت یافت گشت **منقبت قوله تعالی**
وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا حافظ بن مردویه در مناقب
 خود از ابن مسعود رضی الله عنه آورده که ما این آیه را در زمان بابرمان رسول صلی الله علیه و آله
 در جنگ می نمودیم **وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا**
 یعنی الله تعالی بسند کرد ایند مؤمنان را بلکه دارا یغده ایشان را بواسطه علی
 جنگ و قتال کردن با عمرو بن عبد و دست الله تعالی قوی و غالب و حکایت این قصه به
 تفصیل در سوره احزاب مذکور است **مؤلف** گوید حدیث فضریه علی یوم الاحزاب
 خبری من عبادیه الثقلین بعد از جنگ مرتضی علی با عمر و عبید و واقع شد **منقبت**
قوله تعالی وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدِّيقٍ فِي الْآخِرِينَ یعنی حق سبحانه و تعالی حکایت
 نمیکند از ابراهیم علیه السلام که گفت برای من لسان نیکو در آخر الزمان بیاورین
 در مناقب ابن مردویه از امام محمد باقر رضوان الله علیه روایت که لسان صدق علی ولی
 ولایت او برابر ابراهیم معروض شد ابراهیم گفت بار خدا یا علی را در زیر من گردان چون سخنان
 و تعالی ملتمس او را مبدول داشته خواهش او بفعل آورده **منقبت قوله تعالی**

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ إِذَا دُعَاكُمْ لِأَجْبِيكُمْ بِمَا بَيْنَ يَدَيْكُمْ
 ایمان آورده اید اطاعت خدا و رسول کنید هر گاه که خواند شمار را بچیزی که زند و کند شمارا و در میان
 این مرد و پیغمبر از امام محمد باقر رضوان الله علیه مرویست که مراد از دُعَاكُمْ لِأَجْبِيكُمْ
 ولایت علی بن ابی طالب کرم الله وجهه است یعنی بخواند شمارا بولایت علی ولی منقبت
 قوله تعالی يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَإِذْ أُنذِرُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
 ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا و رسول را و اطاعت کنید اولی الامر را
 در مناقب این مرد و پید از امام جعفر صادق رضوان الله علیه منقول است که امیر المؤمنین
 علی بن ابی طالب کرم الله تعالی صلوات و سایر حکام شیعیت در تفسیر فخر رازی می آورد
 که مفسرین در اولی الامر و قول ابراهیم نموده اند فسره گویند مراد امراند و زمره گفته اند علما
 تا امام جعفر صادق منقول است که مراد از اثنا عشرند که حق تعالی اطاعت ایشان را قرین
 اطاعت خود و رسول داشته زیرا که جایز نیست که حق سبحانه واجب کرد اند اطاعت احدی را
 علی الاطلاق تا ثابت نشود عصمت او و اند که ظاهر او مثل باطن او است و این بود
 از غلط و سهو این صفات حاصل نیست در امر او علماء پس متعین اند بهی باشند و در
 کشف الغمّه از جابر بن عبد الله انصاری مرویست که گفت چون آیه مذکوره نازل شد
 گفتیم یا رسول الله ما خدا و رسول مید اینم پس اولی الامر چه استند که حق تعالی اطاعت ایشان را
 قرین کرده بطاعت خود و رسول خود آنحضرت فرمود خلفای من اند بعد از من اول ایشان
 علی است و بعد از او حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی که معروف است در توره به
 باقر و و باشد که در بابی او را ای جابر پس هر گاه بیینی سلام من برسان دیگر جعفر و دیگر

بن جعفر و بکر علی بن موسی و دیگر محمد بن علی و دیگر علی بن محمد و بکر حسن بن علی و بکر اسم نام و
 هم کیفیت من حجة الله فی الارضه محمد بن الحسن که فتح کند حق سبحانه و تعالی بر دست او
 مشارق و مغارب ارض را و او غایب شود و از شبیه اولیای خود و جابر گوید من کفتم یا رسول الله
 آیا باشد شبیه او را انتفاع از او در غیبت فرمود بحق آنکه او را برستی بخلق دستاورد که ایشان
 مستغنی گردند بنور او و شفیع شوند بولایت او در غیبت او ای جابر این از از کلمون سر آلهی و سخن
 علم ناقصی است باید که مخفی داری از نا فرمان پس این دلالت در روایات مؤید است
 که مراد از ادلی الامر الله می اند که امامت و عصمت ایشان ثابت است و اتفاق جمیع است
 بر علو رتبت و عدالت ایشان منقبت قوله تعالی فلیعلک تارک بعضنا بعضا
 و صائق بصدوک ان یقول لولا انزل علیک کثر او جاء معک اثنا
 انت نذیر و الله علی کل شیء وکیل یعنی تو تکر کننده بعضی امور وحی را و دل تنگی
 بسبب گفتن منافقان که چرا از آسمان کجی نرو و نماند بر حمت یا خود نوشته همراه ایشان
 نیاید تا ای محمد بگردید و سپید دهند نیستی و خداست بر پیشانی کار فرما و تفسیر علی بن ابراهیم
 و علی بن عبسی و فخر رازی و مناقب ابن مردویه علیهم الرحمه از امام جعفر صادق رضوان الله علیه
 مرویست که مصطفی نام تفضی گفت ای برادر بد رستی که من از خدای خود بس در خواستم که میان
 او تو موالاته و محبت اندازد خواهش من بفعال آمد و مسالت نمودم که میان من تو موالاته کند
 آن سؤال نیز مبذول شد و التماس کردم که ترا وصی من کند چنانچه کرد پس مردی از منافقان تو
 در غیبت گفت والله یکصاع از شما که در شک کنه باشد بهتر است از آنچه محمد از پروردگار خود
 مسالت نمود پس او در خواست نکرد و نوشته از حق تعالی که معاودت و معاودت او کند بر دشمن

یا بکنی که بدان استعانت نماید بر فقر و فاقه و شدت احتیاج بنا بر این حق سبحانه و تعالی آیه مستطوره
 وَتَسَاءَلُونَكَ عَنِ مَنَقِبَاتِ قَوْلِ تَعَالَىٰ وَاللَّهِ صَٰبِرٌ مِّثْلًا إِذَا قَوْمٌ مِّنْهُ
 بَصَدُوا نِعْمَىٰ جُونِ عِيسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ الْمَثَلُ كَرِيمٍ دَرِیم دَرِیم که قوم تو ای محمد از آن ضرب
 المثل اعراض میکنند از امیر المؤمنین مرویست که انسرور صلی الله علیه و آله وسلم با من گفت
 بدستی که در تو ای علی مشلی و استمانی است از عیسی علیه السلام چه عیسی را قوم دوست داشتند
 و محبت او هلاک شدند یعنی ابن الله گفتند و قومی دشمن او شدند در دشمنی او هلاک شدند پس
 منافقان در غیبت گفتند رسول راضی شد برای علی بر هیچ مشلی و استمانی بغیر عیسی لا جرم این آیه
 کَرِيمَةً نَّزَّلَتْ مَنَقِبَاتِ قَوْلِ تَعَالَىٰ وَتَرَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ عِلَلٍ خَوَّانًا عَلَىٰ
 سُرُوقِ مَثَقَابِ بَلَدِنِ عِيسَىٰ بَرُونِ کَشِيدِیم آنچه در سینه های اهل حنت بود از کینه و صفات نهمیه
 در این حال بر او رانند که بر سر برانشته رو ماروی یکدیگر دارند از ابو هریره مرویست که مرضی علی
 گفت ای رسول خدا که ام بکیت دوست ترز تو من یا فاطمه انسرور صلی الله علیه و آله وسلم فرمود
 فاطمه نزد من دوست تر است و تو عزیزتری از وحی با اخی می بینم تو را بر حوض کوثر ایستاده مردم
 شقی را از حوالی حوض کوثر دور میکنند بدستی که بر آن حوض ایستاده است بعد دستارهای آسمانی
 و تو و فاطمه حسن و حسین و جعفر و عقیل در حنت باشید و بر سر برانشته و در روی یکدیگر
 در تو همراه من باشی و عجمان تو نیز همه در حنت باشند بعد از آن آنچه کَرِيمَةً خَوَّانًا عَلَىٰ
 سُرُوقِ مَثَقَابِ بَلَدِنِ قُرْآنِ نَمُودَه گفت نظر میکنند هیچ یک از ایشان در قفای حساب خود
 یعنی همه در شاهده جمال کمال حقانی مستغرق خواهند بود **مَنَقِبَاتِ قَوْلِ تَعَالَىٰ لَمَّا كَرِيمٌ**
وَحُسْنِ مَّآبٍ عَمَّ سِرِّينَ كَفَتْ طُوبَىٰ وَرَحْمَتِمْ وَرَحْمَتِ كَرِيمٍ که اصل و پنج آن در حجه